

## پیشخوان

**نظر و گذری بر «آیت‌الله‌العظمی سیدعبدالله شیرازی به روایت اسناد»**

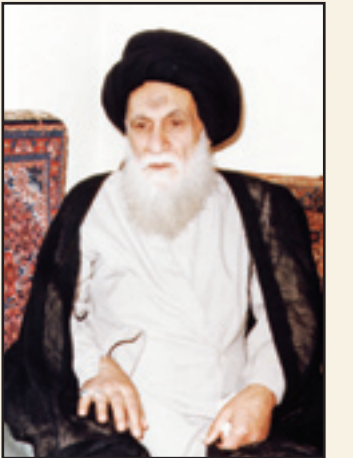
## اوراق تاریخی از مرجع مبارز چه می‌گویند؟

■ **شاهد توحیدی**



العظمی سیدعبدالله شیرازی از درجه اسناد ساواک پرداخته است. آن عالم راحل در فرایند مبارزه با رویکردهای غیراسلامی رژیم پهلوی در ادوار حکومت رضاخان و فرزندش به طور فعال شرکت داشت و از مراجع مبارز به شمار می‌رفت. که بخشی از آنها در مجموعه عرضه شده است، این پژوهش از سوی رحیم روح بخش‌الله آباد انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است. تازنمای ناشر در معرفی این کتاب به موارد پی آمده اشارت برده است:

«انقلاب اسلامی که رویدادی مهم در تاریخ ایران بود، پس از گذر از فراز و فرودها و حوادث بسیار به ثمر نشست. در مسیر تحولات از آغاز تا پیروزی عناصر و عوامل تأثیرگذار بسیاری به ایفای نقش پرداختند. در این میان شخصیت‌های تأثیرگذار از موقعیت ویژه‌ای بر خوردار هستند. در نتیجه گذشته از نقش امام خمینی رهبری انقلاب، بررسی آثار تأثیرگذاری این شخصیت‌ها در روند تحولات انقلاب، اهمیت به سزایی دارد. آیت‌الله العظمی سید عبدالله موسوی شیرازی از جمله شخصیت‌های مبارزی است که چندین دهه علیه سیاست و عملکرد رژیم پهلوی به مبارزه پرداخت و در جریان کشف حجاب و اعتراض



▼ **۱۳۵۸**. آیت‌الله‌العظمی سیدعبدالله موسوی شیرازی

علما و مردم نسبت به این مسئله به خیل مبارزان شهر مشهد پیوست و ضمن هماهنگی با علما و مراجع آن شهر، نقش بسیار فعال و مؤثری ایفا کرد. پس از سرکوب قیام مردم مشهد در واقعه مسجد گوهرشاد، ایشان دستگیر و زندانی شد و بعد از آزادی به زادگاه خود شیراز رفت و تحت کنترل مأموران امنیتی رژیم پهلوی اول قرار گرفت. بعد از اجرای رسمی قانون کشف حجاب او که تاب و تحمل دین این وضعیت را نداشت، ایران را ترک کرد و راهی نجف شد. ایشان در این شهر در کنار فعالیت‌های علمی و جوزوی، همچنان به مبارزات خود علیه رژیم پهلوی ادامه داد و حتی در سطح فراتر نسبت به مسائل و رویدادهای جهان اسلام، مواضع روشنگرانه و فاطمی اتخاذ کرد. با شروع نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی به دلیل خط مشی فکری و سیاسی مشترک با ایشان از هیچ گونه حمایتی از رهبر کبیر انقلاب و مبارزات مردم مسلمان ایران در ریخ نورزیدند. این حمایت‌ها حتی در سال‌های تبعید امام خمینی به نجف نیز ادامه یافت. در سال ۱۳۵۴ پس از اخراج علما و طلاب ایرانی از عراق از سوی رژیم بعثی، ایشان راهی ایران شد و در شهر مشهد رحل اقامت افکند. ورود وی به این شهر با استقبال روبه‌رو شد. ایشان در این مقطع حساس زمانی توانستند به مبارزات شهر مشهد و در سطحی فراتر کل استان خراسان، تحرکی خاص بپوشند. آیت‌الله شیرازی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همچنان با رهنمودهای مشفقانه در پی حفظ اصالت آموزه‌های انقلاب اسلامی بودند. مرکز اسناد انقلاب اسلامی در راستای معرفی علما و مراجع تأثیرگذار در انقلاب اسلامی، اینک اسناد مربوط به آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی را به علاقه‌مندان تاریخ معاصر ایران عرضه می‌دارد و امیدوار است که دین خود را به ساخت این عالم عامل و چهره پرفروغ ادا کرده باشد…»

■ **احمد رضا صدری**

در روزهایی که بر ما می‌گذرد، از چهل و پنجمین سالروز تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی عبور می‌کنیم. با این همه خوانش تاریخچه و کارنامه این نهاد، مرور بخشی از سرگذشت نظام جمهوری اسلامی است و ما را با قسمتی از فراز و نشیب‌های آن آشنا می‌سازد. در مقال **پی آمده و به مدد پاره‌ای روایت‌ها و تحلیل‌ها به بازنمای این موضوع پرداخته‌ایم**. امید آید **تاریخ پژوهان** و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **با سرایان انقلاب همکاری و با کارشکنی‌ها مقابله کنید**

ضرورت حفظ نظم و امنیت در پی براندازی حکومت پهلوی و آغاز حیات نظام اسلامی امری بود که کسی در آن تردید نداشت. هم از این روی ایجاد نهادی که متولی و مدیر این فرآیند باشد، ناگزیر می‌نمود. بسا تحلیلگران بر این باورند که پیام ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ امام خمینی به نوعی بسترساز و نیز شرح وظایف کمیته‌های انقلاب اسلامی در آن دوران خطیر قلمداد می‌شود. در این متن تاریخی می‌خوانیم:

«ملت معظم ایران، اهالی سلحشور تهران در این موقع که پیروزی نهایی ملت عزیز نزدیک است، لازم است به تذکرات زیر، به طور تکلیف شرعی الهی و تعهد ملی توجه کنند. متخلف از آن مخالف خداوند تالی و خائن به کشور و نهضت اسلامی است.

۱- اکنون که دستگاه دیکتاتوری و ستمکاری برچیده شد، باید از هر نوع خرابکاری و چپاول و آتش‌سوزی و ظلم احتراز شود و بر عموم است که از اینگونه اعمال غیراسلامی و غیرانسانی به شدت جلوگیری کنند. آنان که دست به این اعمال و حیثیانه می‌زنند، خائن به مملکت و مخالف نهضت اسلامی هستند.

۲- باید ملت تا برقراری نظم از طرف دولت موقت، نظارت در حفظ مراکز عمومی از قبیل وزارتخانه‌ها و بانک‌ها و دیگر مراکز دولتی ملی بنمایند و اموال ملت را نگذارند هدر برود. ملت عزیز! نگذارند بدخواهان منعکس کنند که با به هم خوردن رژیم فاسد، هرج و مرج و خرابکاری جای آن را گرفته است.

۳- به فرصت طلبانی که می‌خواهند با ماسک انقلابی از رژیم منفرض پشتیبانی کنند و نهضت را بدماند کنند، مهلت فعالیت ندهید و ملت مسلمان باید ابتکار را به دست بگیرد.

۴- مأمورینی که از طرف جناب آقای نخست وزیر اسلامی مأموریت دارند، سرایان انقلابند و باید با آنان

کمیته‌های انقلاب اسلامی در قامت نخستین نهاد حافظ امنیت

# «کمیته»

# مادر نهادهای انقلاب اسلامی است

همکاری کنید و اگر مخالفان مردم مسلمان خواستند کارشکنی کنند از آنها جلوگیری کنید.

۵- لازم است مردم هر چه زودتر از خیابان‌ها به مساجد و مراکز اجتماع بروند و به فرموده علمای اعلام و خطبای محترم گوش دهند و بر علمای اعلام و خطبای بلا است که به مساجد و مراکز عمومی تشریف برده و مردم را دعوت به صلح و سداد کنند و از اعمال خلاف شرع و خلاف مسیر نهضت به شدت جلوگیری کنند و با بیانی رسا مردم را از هرج و مرج و خرابکاری باز دارند و حکم شارع مقدس را ابلاغ کنند.

۶- اکنون که قوای انتظامی از قبیل ارتش و ژاندارمری و شهرپایی به ملت پیوسته‌اند، بر عموم ملت لازم است که به هیچ وجه تعرض به آنان نکنند و آنان را چون برادر نگهداری کنند و بر علمای اعلام است که مردم را ارشاد کنند و از قوای انتظامی که تحت لوای حکومت اسلامی آمده‌اند، حمایت کنند. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

روح‌الله موسوی‌الخمینی

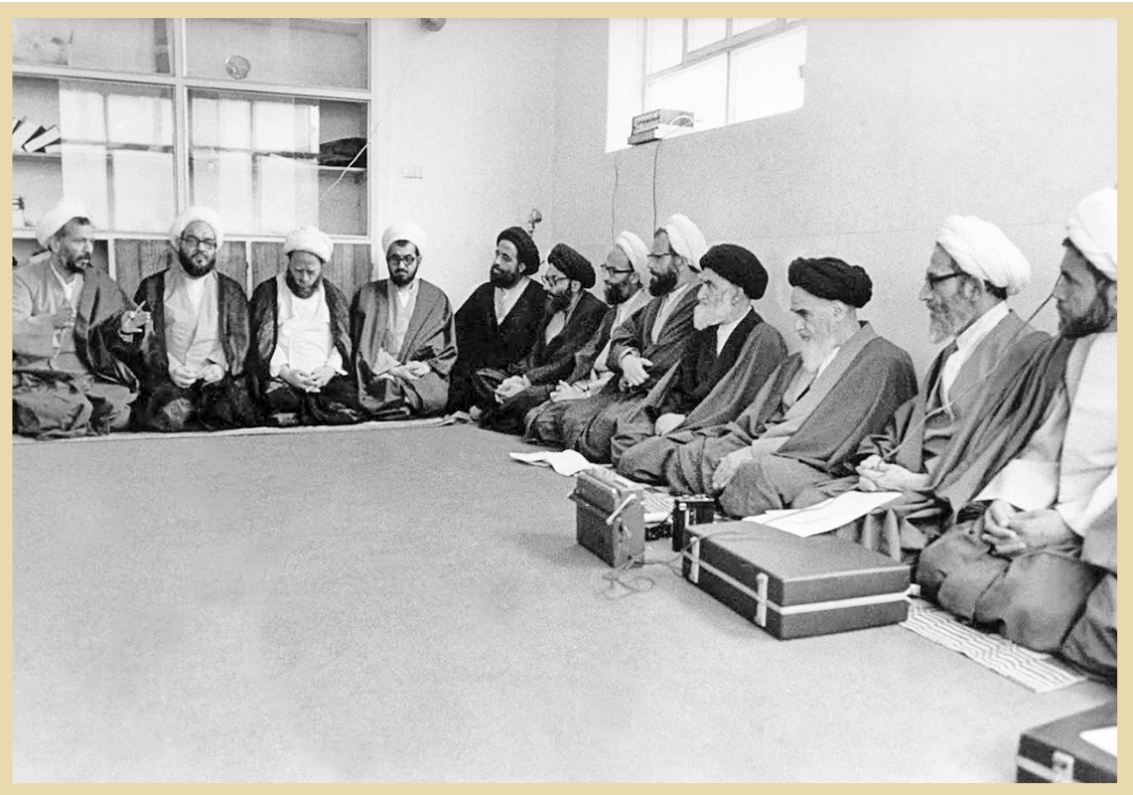
۵۷/۱۱/۲۳

■ **مجتهدی والا در قامت نخستین رئیس کمیته‌ها**

امام خمینی در انتخاب نخستین رئیس کمیته‌های انقلاب اسلامی و با مشورت شهید آیت‌الله مرتضی مطهری از انتخاب حجت‌الاسلام حسن لاهوتی منصرف گشت و حکم را به نام آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی صادر کرد. با عنایت به نفوذ سرپرست این نهاد نو تأسیس در میان علما و روحانیون سراسر کشور و به ویژه شهر تهران، کمیته‌ها در گذر زمان رو به انسجام و همگرایی هرچه بیشتر رفتند. آیت‌الله مهدوی سال‌ها بعد و در ۲۱ بهمن ۱۳۹۱، در دیدار با فرماندهان و نیروهای سابق کمیته انقلاب اسلامی در

دانشگاه امام صادق(ع) اظهار داشت:

«کمیته‌های انقلاب اسلامی، اولین گروه‌های انقلابی و انتظامی بودند که به طور خودجوش تشکیل شدند و امام‌خمینی با روشن‌بینی که داشتند، فرمودند: کمیته‌ها و کسانی که سلاح به دست گرفته‌اند، در مساجد و غیر از آن تحت نظر علمای اسلام فعالیت خود را شروع کنند. تشکیل کمیته و پیشگیری از بسیاری اتفاقات، یکی از معجزات امام بود و اگر ایشان کمیته‌های موقت انقلاب را تشکیل نمی‌دادند، مملکت به آشوب کشیده می‌شد. کمیته‌ها یک نیروی مردمی بودند. من به سپاه احترام می‌گذارم، اما خود سپاه نیز مولود همین کمیته بود. در همین روزهای



در بهشت ۱۳۵۸ هم، امام‌خمینی در دیدار با رؤسای کمیته‌های انقلاب اسلامی در تهران

نگاه امام خمینی به برقراری نظم و امنیت در جامعه آن روز نشان

امام به این مهم توجه داشت که بقای انقلاب اسلامی از راه وجود نیرویی از جنس آن امکان‌پذیر است، وگرنه براساس تجربیات با مشا به، نیروهای غیر متجانس با نهضت می‌توانند به آن آسیب‌زده و حتی زمینه‌ساز براندازی گردند. هم از این روی معتقد بود که انقلابیون خود باید امنیت محلات را حفظ و صیانت کنند

انقلاب نبود، شما امروز سردار نمی‌شدید. زمانی که همین دانشگاه امام‌صادق(ع) برای دانشگاه هاروارد بود، ما جز نت نمی‌کردیم حتی به داخل دانشگاه نگاه کنیم، ولی امروز من رئیس این دانشگاه شده‌ام. همه اینها از برکت انقلاب بود. من هیچ وقت حتی فکر نکردم که طلبی از انقلاب داشته باشم، شما هم همینطور باشید…»

■ **کمیته‌های انقلاب نهادهی برای رسیدگی به مشکلات مردم**

با توجه به اینکه کمیته‌ها نخستین نهاد برآمده از انقلاب اسلامی به شمار می‌رفتند، در بسیاری از مسائل و مشکلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد مراجعه مردم قرار می‌گرفتند. می‌توان ادعا کرد که این از گان انتظامی و امنیتی، وظیفه و برخی از نهاد‌های دولتی را نیز بر عهده گرفته بود. مرتضی‌الویری از فعالان کمیته در بدو فعالیت‌های آن چنین روایت کرده است:

«در همین زمان ایهمن ۱۵۷، گروه‌هایی مثل چرک‌های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق

از شلوغی مملکت سوءاستفاده و مقدار زیادی اسلحه در خانه‌های تیمی شان انبار کردند. حتی

وقتی که امام دستور دادند مردم اسلحه‌ها را به مساجد تحویل بدهند، این‌ گروه‌ها که به جای جلسه‌ای پرسیدند چه کسی حاضر است تا مسئولیت کمیته‌ها را بر عهده بگیرد؟ کسانی که حضور داشتند، گفتند ما اگر قراریم و نمی‌توانیم-ام گفتم حرفی ندارم، اما به شرطی قبول می‌کنم که کمکم کنید، آنها هم گفتند کمک می‌کنیم، اما بعدش خبری از کمک نشد! پس از آغاز کار ما، یک عده با خودی مخالف می‌کردند، آنها به دنبال انحلال این نهاد بودند. ما به همراه جمعی از روحانیون تهران، خدمت امام رفتم و گفتیم مصلحت نیست که کمیته از میان برود و امام نیز دستور دادند که کمیته‌ها کامکان باقی بمانند و به خدمت ادامه دهند. کمیته نیروی مهمی بود و در اوایل انقلاب اغلب خانه‌های تیمی را بچه‌های این نهاد کشف کردند. زمانی که آقای ناطق نوری وزیر کشور شده بودند، آمدند و گفتند چون بچه‌های کمیته آموزش ندیده‌اند، باید در رأس هر تیم یک فرد سپاهی بگذاریم! من پیش امام گفتم با این موضوع مخالفم، اما هر چه شما بفرمایید سمعا و طاعتا انجام می‌دهم. بنده از ابتدا رو شم همین بوده که تابع رهبری باشم ولو خلاف مایلم باشد. بنده رهبری نیز همین است. اینکه بنده خودم قلم می‌رسم و بخواهم براساس آن خود نظر را مانع از انجام نظر رهبری قرار دهم، بیخود است. ممکن است نظر بدیهی ما مخالف با رهبری به هر نحوی مخالفت با یک نظام ولایی و اسلامی است. در همان جلسه من خدمت امام عرض کردم که معتقد نیستم کمیته‌ای‌ها زیر نظر سپاهی‌ها قرار بگیرند، چون اگر یکی را بالای سر آنها بگذارند، روچه‌شان تضعیف می‌شود. ما مخلص سپاه هم هستیم، اما نیروها را نباید تضعیف کرد. این کار انجام نشد تا اینکه بعد از من آقای فلاحیان آمدند و دهنی شد به ادامه کمیته در نیروی انتظامی. بارها خدمت همکاران سابقم در کمیته عرض کردم‌ام من با شما برادران بودم، اما مفهومی این نیست که هر کاری شما کردید، با هر کاری که من انجام داده‌ام، درست بوده است، با این حال شما بودید که یادگان‌ها را حفظ کردید، از روی اخلاصی آمدید و این هم به قصد سردار و سپهد شدن نبود، بلکه تنها می‌خواستید نظام و انقلاب را حفظ کنید. شما فداکاری‌های بسیاری کرداید و روزهای سختی را گذرانده‌اید، اما مراقب باشید زحماتی را که کشیده‌اید، حرام نکنید! مبادایی مه‌ری‌هایی که در حق شما شده است، موجب شود که با انقلاب قهر کنید، این انقلاب بود که به ما حیات داد. اگر این



است:

«قبل از پیروزی انقلاب اسلامی که ضرورت تأسیس نهادی مانند کمیته انقلاب اسلامی وجود نداشت، اما وقتی که موج حرکت مردم به سمت تبعیت از امام شکل گرفت و منسجم شد، تشکیل این نهاد هم لازم دیده شد. امام خمینی حافظه تاریخی بسیار قوی‌ای داشتند، هم از این روی به این نتیجه رسیدند که هر چند با پیروزی انقلاب اسلامی نیروی وابسته به نظام گذشته حضور فیزیکی ندارند، اما سعی دارند با استفاده از فرصتی که پیدا می‌کنند، دوباره سازماندهی کرده و علیه انقلاب مردم فعال شوند. اولین شرط برای تثبیت و تداوم این وضع جدید برقراری امنیت است. برای تأمین امنیت انقلاب، نیروهایی از جنس خود انقلاب باید این کار را برعهده می‌گرفتند. این مسئله تنها مختص به ایران نیست، همه جای دیگر دنیا هم چنین وضعیتی دارد. درام مصر را ببینید. انقلاب در آن کشور صورت می‌گیرد، اما امنیت آن از جنس آن انقلاب نیست، پس کودتا می‌شود! امام با توجه به پیشینه جنبش‌های مردمی به این نتیجه رسیدند که اگر امنیت از جنس انقلاب نباشد، انقلاب به دست کسانی که در شرایط جدید منافعشان به خطر افتاده است، از بین خواهد رفت. ایشان برای ایجاد این نوع از امنیت، در دوم اسفند ۵۷ حکم آیت‌الله مهدوی کنی را به عنوان رئیس کمیته‌های انقلاب اسلامی صادر می‌کنند. امام امنیت نقطه‌ای را در کشور برقرار می‌سازند. معاندان در هر نقطه از کشور انسجامی پیدا می‌کردند تا علیه انقلاب عمل کنند یا مردم که مالکان انقلاب بودند مواجه می‌شدند. امام در حکم آیت‌الله مهدوی کنی می‌فرمایند که شما تا سازماندهی سازمان‌ها و تشکیلات مرتبط به ریاست کمیته انقلاب اسلامی منصوب می‌شوید. برخی اوقات این ساماندهی طولانی می‌شود، به همین دلیل وقتی دولت موقت به حذف دادستانی و کمیته پافشاری داشت، امام فرمودند کمیته به قوت خود باقی بماند…»

■ **فعالیت کمیته‌ها زیر نظر عالمان هر منطقه**

از جمله عوامل اسلامیت و سلامت کمیته‌ها فعالیت آنان ذیل مدیریت علمای بلاد یا ائمه جماعات مساجد بود. این امر موجب شد تا ناطق فعالیت‌های این نهاد با موازین شرعی به نحوی مطلوب تأمین و الگویی از این مهم برای سایر نهادهای نظام نیز ترسیم شود. سرسنگ داود عبدالملکی پژوهشگر تاریخ انقلاب در این موضوع می‌نویسد:

«در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، نیروهای مخالف و وفادار به رژیم پهلوی، تجزیه‌طلبان، جریان‌های کمونیستی و لیبرال‌ها انقلاب را تهدید می‌کردند و با اقدامات مختلف سعی در ناامید کردن مردم داشتند. بنابراین برای حفاظت از مردم و امنیت کشور در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و در دستور حضرت امام خمینی، فرمان تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی صادر و فعالیت این نهاد به عنوان برگ در خنثایی در تاریخ کشور به ثبت رسید. کمیته‌های انقلاب به عنوان سازمان اصلی اطلاعاتی عملیاتی کشور محسوب می‌شدند و هماهنگ با وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران در اغلب مأموریت‌های شناسایی، مبارزه با مواد مخدر، ایست بازرسی و… به شهرپایی و ژاندرمری کمک می‌کردند. اقدامات گسترده آنها برای کنترل اوضاع، کشف خانه‌های تیمی و مقابله با گروه‌های مسلح تروریستی، در تاریخ ثبت شده است. نقطه عطف کمیته‌های انقلاب شکل گیری آنها از بدنه خود مردم بود که در نقاط مختلف کشور تشکیل شدند. این نهاد

در جنوب با خلق عرب در کردستان با احزاب دموکرات، کومله و تجزیه‌طلبان ترکمن محرو و اشهره آمل و جنگل‌های سیاهکل با چپ‌های مسلحه به دست به مقابله جدی پرداخته و در کنار سایر نیروهای مسلح خوش درخشیدند. حضور روحانیون به عنوان فرمانده و پاسداران کمیته انقلاب اسلامی به دلایل مختلف مورد توجه حضرت امام قرار گرفت. روحانیون می‌توانستند باعث جلوگیری از گمراهی جوانان کم‌تجربه و پر تحرک شده و با ترویج فرهنگ ایثار، جهاد، شهادت و فداکاری در کنار کارهای عقیدتی و توسعه آن در بین کارکنان، نقش اساسی ایفا کنند.

ایجاد وحدت بین جوانان متعهد و متخصص در مبنای ایدئولوژی انقلاب اسلامی در پست‌های مختلف امنیتی، شاکله اصلی تشکیلات حفاظت از امنیت منجم کشور بود که به صورت خودجوش با رویکرد مسلح محور و نقش پررنگ روحانیت، تبدیل به یکی یادگاران انقلاب شد. در این نهاد توده‌های مختلف مردم از روحانیون، کشاورزان، کارگران، دانشجویان دانش‌آموزان و برخی از زندانیان سیاسی دوران شاهنشاهی، حضور داشتند و برعکس سایر انقلاب‌ها که در خصوص مادیات فعالیت می‌کردند، پاسداران علاوه بر حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی با اعتقادات قلبی و ایمانی خود توانستند رشادتهای بزرگی در مواجهه با ناامی و جنگ تحمیلی رقم بزنند…»

■ **کلام آخر**

کمیته‌های انقلاب اسلامی در دوران فعالیت خویش به الگویی تاریخی و ماندگار از سلامت و خلوص نیروهای وفادار به نظام اسلامی تبدیل شدند. آنان با تلاش مستمر و بی‌چشمداشت خویش، توانستند در مقطعی مهم و حساس اعتماد مردم را جلب کنند و محل مراجعه ساکنان هر محله شوند. تجربه کمیته‌ها نشان داد که جماعتی مؤمن و پراکنیزه، می‌توانند دستاوردهای مهم و تاریخی داشته باشند.

▼ **۱۳۵۸**. آیت‌الله محمد رضا مهدوی کنی وقت کمیته انقلاب اسلامی در حلقه همکاران

